گرام گردی

سرمای ۲۵درصدی بستنی!

اگر اهل کافی شاپ رفتن باشید و عادت داشته باشید هر روز یا هر یکی دو روز لاته یا کاپوچینویی بزنید بر بدن، متوجه شده اید که قیمت شیر هم افزایش پیدا کرده است و دست کم باید هفت، هشت تومانی بگذارید روی آن قیمت قبلی. به این ترتیب خرداد را در حالی آغاز می کنیم که بستنی و آب میوه هم به فهرست محصولاتی اضافه شده که افزایش قیمت داشته اند. اسکندر آزموده، رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان بستنی و آب میوه تهران، گفته است قیمت بستنی و آب میوه ۲۵ درصد افزایش خواهد داشت؛ چون مواد اولیه بستنی مثل شیر و شکر حدود ۲ برابر افزایش قیمت داشته است. برای مثال قیمت شیر از ٦ هزار تومان به ۱۲ هزار تومان رسیده است. آزموده همچنین گفت اتحادیه بستنی و آب میوه شب عید ۲۰ درصد افزایش قیمت داشت که بعد از آن کل کالاها دو برابر شد و دوباره در کل اصناف وابسته مجبور به افزایش قیمت به ویژه در محصول بستنی شدیم. او درباره تأثیر این افزایش قیمت بر کسادی این صنف و به دنبال آن بیکاری کارگران گفت: آن چنان تعطیلی مغازه ها را در این صنف نداشته ایم، اما مغازه هایی که برای مثال چند کارگر داشتند، مجبور به تعدیل نیرو شده اند؛ چون افزایش قیمت ها باعث کسادی بازار آن ها شده است.

اصل این خبر را با اسکن کد در خبرگزاری تسنیم بخوانید.

هوتک ها هنوز جان می گیرند

هفته پیش چابهار سیاه پوش ۴ کودک شد. اوایل هفته بود که «شهرستان» رخت سیاه «رقیه»، «مریم» و «یاسمین» -خانم معلم- را تن کرد. هنوز داغ این سه سَرد نشده بود و اشک مادرانشان خشک که فوت کودکی دیگر در «بلوچ درویش» داغ همه مادرانی را تازه کرد که کودکانشان قربانی هوتک شده بودند. کودکی که در میانه عروسی یکی از اهالی طعمه هوتک شد تا عروسی به عزا بدل شود. صدوشانزده پارچه آبادی بخش «پُلان» سیستان و بلوچستان را تشکیل داده اند. آبادی هایی که هرکدام دو هوتک بزرگ و ۳-۲ هوتک کوچک به خود می بینند. آبادی هایی که به رسم پدرانشان برای تشنه نماندن هوتکی حفر کرده اند به میانه شان. از ۱۱٦ آبادی «پُلان» حدود ۹۰ آبادی آب لوله کشی به خود می بینند. آب لوله کشی ای که به گفته رئیس شورای بخش پُلان، آب بهداشتی و شرب به خود نمی بینند. آب لوله کشی بیشتر برای شست وشو و احشام استفاده می شود. گاهی اوقات از سر ناچاری برای آشامیدن. به گفته یکی از فعالان اجتماعی سیستان و بلوچستان، از جمله علت هایی که سهم بالایی در قربانی گرفتن هوتک ها دارند نبود امکانات تفریحی است. به باور «احسان چهکندی» وجود یک تاپ و سرسره هم می تواند در این مرگ ها بازدارنده باشد: «در روستایی که هیچ امکانات تفریحی وجود ندارد، کودکان برای تفریح جذب هوتک ها می شوند.» او می گوید هوتک ها را نمی شود حذف کرد: «هنوز تأمین بخشی از آب موردنیاز اهالی به عهده هوتک هاست.» ایمن سازی تنها راهکار نجات جان کودکانی است که از کوچک ترین امکانات برای سرگرمی محروم هستند.

شرح کامل این گزارش را با اسکن کد در روزنامه شهروند بخوانید.

عکس نوشت

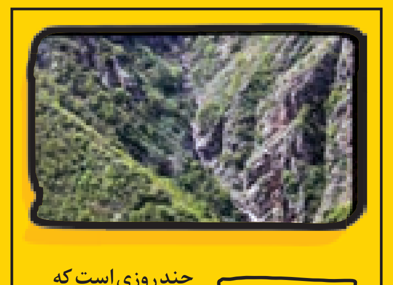

چند روزی است که تصاویری از جاده چالوس در شبکه های اجتماعی دست به دست می شود که رانش زمین به آن آسیب وارد کرده است. درواقع لغزش زمین در محور چالوس و محور قدیمی کندوان روی پل زنگوله، بعد از گذشت حدود ۲۰ سال، بار دیگر خطرات این محور قدیمی را به متولیان آن گوشزد کرد. در ظاهر نبود اعتبار تاکنون مهم ترین دلیلی بوده که ایمن سازی این جاده را عقب انداخته است. جدیدترین آسیب به این محور در پل زنگوله و به طول حدود ٦۰ متر بود که ترک های بزرگی را در دل زمین ایجاد کرد، اما تا امروز تنها کاری که برای آن شده، پر کردن ترک ها بوده است.

عکس ها: مرتضی زنگنه/ایسنا

گزارش روز

به بهانه ویدئویی که در شهرآرانیوز منتشر شد

درس فداکاری

روایت گریه‌های مادری پای قاب‌عکس شهری که بازتاب فراوانی در فضای مجازی داشته است

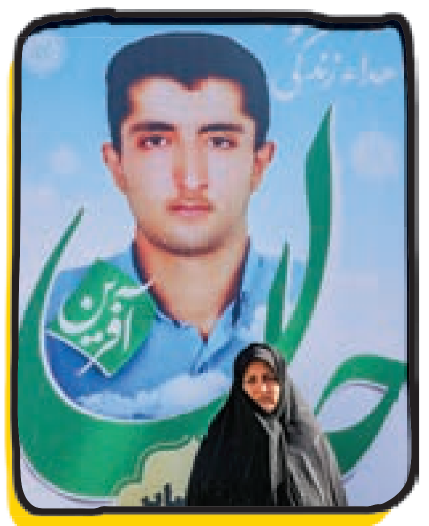

سیدزاده اصل ماجرا به اسفند ۱۴۰۰ برمی گردد، یعنی دقیقا یک ماه مانده به آغاز سال نو و دقیقا در همان شلوغی ها و ولوله ورود به سال جدید. ورق اما همان روز برای رضا و خانواده اش برمی گردد. او سوار موتور بود که در صدمتری دچار یک سانحه شدید می شود و حالا توی همین عکسی که با عنوان «جان آفرین» و با شعار «اهدای عضو، اهدای زندگی» در میدان شهدای مشهد نصب شده، تاریخ فوتش ششم اسفند درج شده است. وقتی از مادرش می پرسیم پسرت چند ساله بود، بدون فوت وقت می گوید بیست سال و پنج ماه و بعد با همان چشم های بغض آلودش اضافه می کند: «آدم حساب سن و سال بچه ش رو دقیق داره. من حالا دیگه غم های دیگه م رو فراموش کردم.» طاهره محمدپور، همان مادری که مقابل عکس فرزندش اشک می ریخت و ویدئوی آن در شبکه های اجتماعی دست به دست شد، می گوید همسرش که راننده اتوبوس های خط واحد است، پشت فرمان بوده که تصویر پسرش را که در این قاب عکس بزرگ جا خوش کرده است می بیند و پی صحبت های پدر، مادر هم می آید تا عکس یکی یک دانه اش را اینجا ببیند. ما او را وقتی می بینیم که ایستاده مقابل عکس پسرش، در خودش فرورفته و دارد نجواهای مادرانه اش را با پسرش در میان می گذارد. مادر رضا می گوید زمانی که دکتر به آن ها گفته وضعیت پسرش دیگر رو به بهبود نمی رود و سطح هوشیاری اش دارد رفته رفته پایین می آید، پدرش، احمد صابر، بدون تردید رأی به اهدای اعضای پسرش می دهد و خانواده اش هم پای این تصمیم می مانند و از آن حمایت می کنند چون «حالا رضا می تواند به چند نفر دیگر زندگی ببخشد.» آن طور که مادر رضا می گوید اعضای بدن رضا نجات بخش جان ٦ بیمار شد.

شاید شما هم ویدئوی مادری را که مقابل قاب عکس فرزندش اشک می ریزد دیده باشید؛ ویدئویی که شاید اشک خیلی از ما را هم درآورد؛ اما در پس همه آن اشک ها، مدح و تحسینی نهفته بود بابت این تصمیم و بابت این بخشش. آن فیلم مربوط می شود به طاهره محمدپور، مادر رضا صابر، جوان ۲۰ ساله ای که خانواده اش تصمیم به اهدای اعضای او می گیرند.

اما مرگ چگونه می تواند خود زندگی باشد؟ مرگ یک تن چگونه می تواند بشود نقطه آغاز زندگی یک یا چند تن دیگر؟ لابه لای آن لباس های سیاهی که به تن آدم هاست، لابه لای انبوه اندوه و غمی که از در و دیوار بر سر آدم خراب می شود، میان آن جبری که ناگهان با آن روبه رو می شویم و چاره ای جز پذیرفتنش نداریم، چگونه می توانیم به زندگی بخشیدن و زندگی ساختن فکر کنیم؟ مگر نه اینکه دل بزرگی می خواهد و خرد وسیعی؟ پدر و مادری که فرزندش را از دست داده یا فرزندی که پدر یا مادرش را، چه تفاوتی می کند؟ عزیزی رفته و فراقی ابدی حاصل شده و زخمی که مرهمی جز گذر زمان ندارد. همه چیز می تواند در همین نقطه تمام شود، در «مرگ»، در «مردن»، در «دیگر نبودن و دیگر وجود نداشتن.» مرگ می تواند نقش اصلی اش را ایفا کند و بشود همان نقطه پایانی. بحث اهدای عضو و فرهنگ سازی برای زندگی بخشیدن به نیازمندان عضو، حالا مدت هاست که کمی سیاهی مرگ را کم رنگ تر کرده و آرامشی شده برای آن ها که از دست داده اند و آسایشی شده برای گیرندگان عضو. حالا خیلی وقت است که وقتی لابه لای اخبار و اطلاعات شبکه های اجتماعی می چرخیم، بسیاری از افراد که برخی هایشان هم چهره های معروف فرهنگی و هنری هستند، کارت اهدای عضو خود را به اشتراک می گذارند، دیگران را به داشتن آن تشویق می کنند و از این می گویند که تمایل دارند اگر سرنوشت جوری رقم خورد که می توانستند کمک حال فرد یا افرادی باشند، رضایت خود را برای اهدای عضو از پیش اعلام کرده باشند و دیگر حرف و حدیثی در آن نباشد.

آخرین روز اردیبهشت که مصادف با روز اهدای عضو است، بهانه ای بود تا خانواده رضا صابر و همه خانواده هایی که با چنین اتفاقی در زندگی شان روبه رو شده اند و در ادامه تصمیم به اهدای اعضای عزیزشان گرفته اند، در قطعه بخشندگان زندگی بهشت رضا(ع) مشهد گرد هم جمع شوند تا یک مرتبه دیگر اهمیت این بحث را به همگان یادآوری کنند. بد نیست بدانید که طبق گفته های ابراهیم خالقی، مسئول واحد فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، در گفت وگو با شهرآرانیوز و در همین مراسم، دانشگاه علوم پزشکی مشهد از سال ۸۰ بخش اهدای عضو را راه اندازی کرد و اکنون به عنوان قطب شرق و شمال شرق کشور در اهدای عضو و پیوند اعضا شناخته می شود. تاکنون بیشتر از ۱۱۹۸ مورد اهدای عضو از مرگ مغزی در دانشگاه علوم پزشکی انجام شده که از این تعداد به بیش از ۵۱۰۰ نفر عضو اهدا شده است، یا شاید بهتر است بگوییم «زندگی» اهدا شده است.

گزارش روز

غارت جنگل های هیرکانی و زاگرس با قاچاق چوب

نرخ پایین سرخدارها

عروجی مظنه درخت های کهن سال جنگل های زاگرس حالا به ۵۰۰ میلیون تومان رسیده است. بهشت قاچاقچی های یاغی که تبر به دست به میراث چندهزارساله این کشور رحم نمی کنند حالا هرچه قدر هم مسئول مربوط داد بزنند، قاچاق و فروش چوب و زغال جنگلی ممنوع است به خرج کسی نمی رود. روزنامه «شهروند» در گزارش مفصلی به غارت این جنگل ها پرداخت و روایت غم انگیزی از آن منتشر کرده است. اینکه جنگل های هیرکانی ۷ درصد مساحت ایران را در برمی گیرند و قدمتی ۲۵ تا ۵۰ میلیون ساله دارند. جنگلی که محل امنی برای ۲۹٦ گونه پرنده و ۹۸ پستاندار است؛ اما حالا ذره ذره جان می دهد. آمارها از ۲۰۰ تا ۲۲۰ کامیون چوبی خبر می دهند که از شمال زاگرس و لرستان راهی شمال کشور و تهران می شوند. این وسط درخت سرخدار محبوب قاچاقچیان است برای سود بیشتر. درختی که تکه تکه می شود برای پرکردن جیب قاچاقچیان و دلال هایی که در کار چوب هستند. درخت سُرخدار اگر ۱۰۰ الوار ۲ متری بدهد، بالای ۴۰۰-۵۰۰ میلیون تومان قیمت دارد و هر از چند گاهی همین درخت با قیمت درشت تر از این ها هم معامله می شود. جنگل های سرخدار به آرامی رشد می کنند به نحوی که میانگین رشد سالیانه آن ها ۱۰ سانتی متر است، اما با همین رشد آهسته و پیوسته ارتفاع آن به ۹ تا ۳۰ متر و قطر آن نیز به ۳ متر می رسد. شصت و نه تن چوب قاچاق آماری است که برای سال ۱۴۰۰ ثبت شده است. ۱۰۸ تن چوب قاچاق هم برای سال ۹۹ ثبت شده است. آمار متغیری که هر سال نمی توان رشد یا کاهشی برای آن پیش بینی کرد؛ اما هستند درختانی که نرخشان پایین است. برای مثال صنوبر را کیلویی ۲ هزار تومان می خرند. یک ماشین پر شده از تکه های صنوبر در نهایت ۲ تا ۳ میلیون تومان عاید قاچاقچی می کند. فقر اما باعث شده برای قاچاقچی جماعت فرقی نکند چه درختی را قطع می کند آن ها برای پول بیشتر همه کار می کنند؛ اما می توان کنترلی روی این اوضاع داشت؟ می توان قاچاقچیان و درخت هایی را که قطع می کنند ردیابی کرد. جواب روشن است: نه. چرا؟ چون تنها چوب هایی که به شکل درخت کامل جابه جا می شوند، امکان کنترل دارند نه وقتی تکه تکه می شوند. بیکاری، تورم و شرایط اقتصادی حال و روز درختان و جنگل ها را بدکرده است. شرایطی که باعث شده خیلی ها اره به دست شوند برای گرفتن کمی پول. تازه مافیای چوب به ویژه حالا که قیمت چوب افزایش پیدا کرده و تورم به جنگل ها کشیده شده است، برای حمل بارشان کلی خدم و حشم دارد. چون اغلب این محموله های قاچاق از سوی عوامل باند اسکورت می شوند و بعد هم دیگر تمام تا بریدن یک سرخدار دیگر.

توییت روز

الهام عابدینی
خبرنگار

کنار پل عابر پیاده، رفتگر محترمی لقمه‌ای می‌خوردند. تا من را دیدند لقمه دیگه‌ای رو که تو کیسه بود به سمتم تعارف کردند و گفتند بفرمایید خانم. گفتم نوش جان، خدا قوت و با خودم فکر کردم چقدر این شهر را دوست دارم؛ تهرانی که با همه سختی‌هاش، آدم‌هایی با دل بزرگ خیلی داره.

مهربانو مهدوی
خبرنگار

قیمت موادغذایی همچنان روی ریل افزایش قیمت. گوشت گوساله که در هفته‌های اخیر روند افزایشی گرفته به ۲۲۰ هزار تومان رسیده، حبوبات همین‌طور داره گرون می‌شه و قیمت لوبیاچیتی به ٦۵ هزار تومان رسیده، قیمت برنج هندی هم ٤۰ هزار تومان در هر کیسه ۱۰ کیلویی افزایش داشته است.

سعید ارکان‌زاده
خبرنگار

دل پیرزن و پیرمردها به این خوش است که عکس و فیلم نوه و بچه را برای هم بفرستند و در گروه‌های خانوادگی ویدئوهای بامزه بگذارند. حواسشان به مصرف نیست و اینترنتشان زود تمام می‌شود، ولی حالا اوضاع عوض شده؛ باید مراعات جیبشان را بکنند. ۵۰ گیگابایت ترافیک اضافه ۲۱٤ هزار تومان آب خورد.

زینب رحیمی
خبرنگار

حدس می‌زنید توله یوز سوم که از سمنان به تهران منتقل شد کجا نگهداری می‌شه؟ کلینیک دام‌پزشکی؟ خیر، در مهمان‌سرای مدیران سازمان محیط‌زیست.

جدول روز

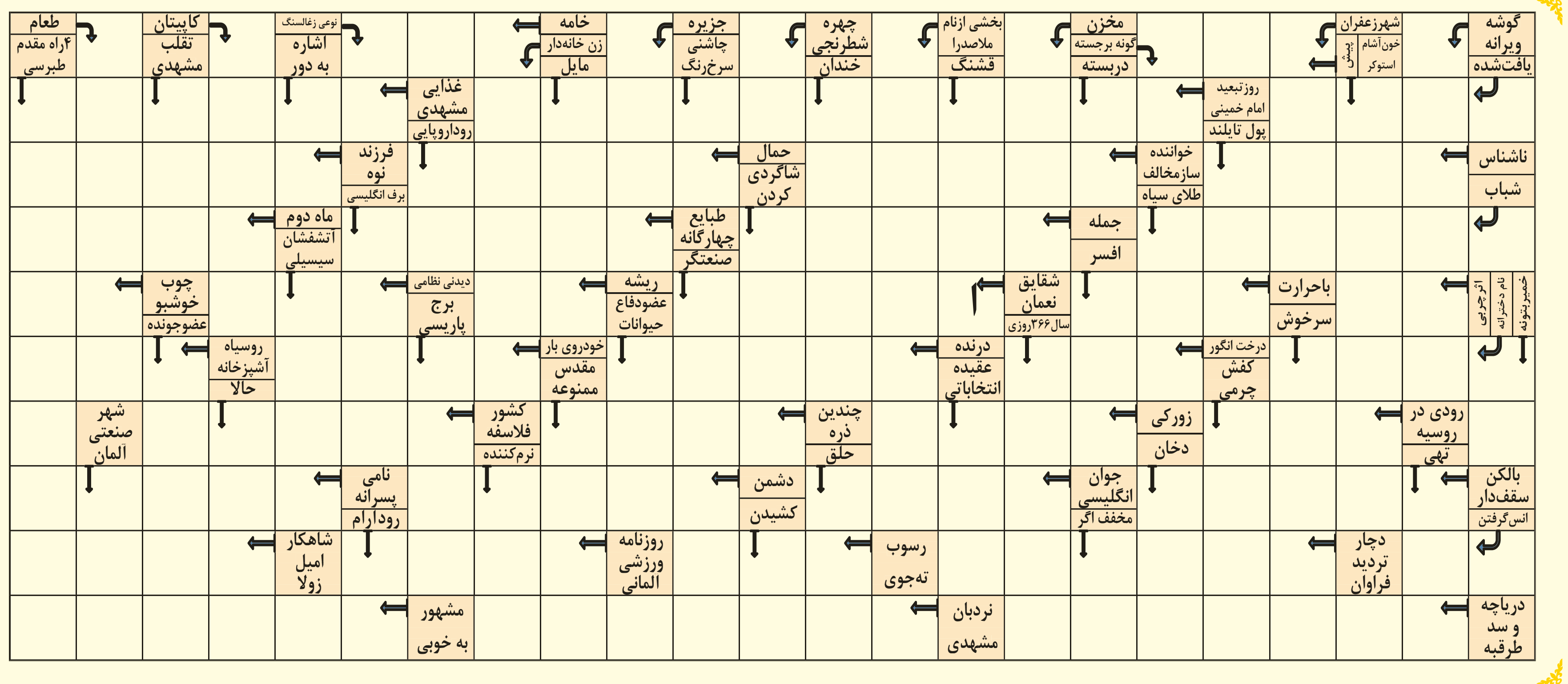

شوخی با خبر

سربازان نجومی بگیر!

مهدی محمدی

امروز پدرم طبق معمول داشت شبکه خبر را نگاه می‌کرد. شبکه خبر زیرنویس کرده بود که قرار است حقوق سربازها تا دو برابر افزایش یابد. من الان کلاس چهارم دبستان هستم. امیدوارم هر سال این حقوق‌ها دو برابر زیاد شود تا وقتی نوبت من شد بروم سربازی یک سرباز نجومی بگیر در حد مدیران نجومی گیر شوم. من چند تا پیشنهاد داشتم که اگر اجرا شود، سربازی دوست داشتنی تر خواهد شد:

۱-برادر من هم به خدمت می رود، ولی پوتین هایی که می پوشند خیلی سنگین است. بهتر نیست به جای پوتین سنگین، به سربازان دمپایی به ویژه دمپایی ابری داده شود تا راحت تر رژه بروند. تازه هزینه اش هم کمتر است! من فیلم های نیروهای طالبان را دیدم. آن ها با دمپایی کابل را فتح کرده بودند.

۲-مادر دو، سه سال قبل به علت کرونا به جای حضور فیزیکی در مدرسه با برنامه شاد درس یاد گرفتیم، پس الان هم بهتر است دوره آموزشی را به صورت غیرحضوری برگزار کنید. مثلا ما با کامپیوتر بازی کالاف دیوتی انجام دهیم تا برای خدمت به صورت مجازی حاضر شویم؛ البته کامپیوتر من به ارتقا نیاز دارد و اگر می شود بخشی از حقوق من همین الان پرداخت شود که کلاس چهارم دبستان هستم.

۳-همچنین من نمی دانم چرا سربازها باید قبل از طلوع آفتاب بیدار شوند، در صورتی که می شود تا ظهر بخوابیم. برادرم می گوید در زمان آموزشی گاهی برای افزایش آمادگی سربازان خشم شب می زنند و سربازان باید بلافاصله از خواب بیدار می شدند و به محوطه پادگان می آمدند. به نظر من این جور کارها خوب نیست؛ چون معلم ما می گوید بدن انسان ها به خواب کافی نیاز دارد!

۴-من با نرم افزارهای تغییر چهره کار کردم و وقتی دقت کردم فهمیدم موی تراشیده به من نمی آید! اگر می شود اجازه دهید موهایمان را کوتاه نکنیم، البته من قول می دهم جنبه داشته باشم و موی دم اسبی نگذارم!

۵-یک کلانتری سر کوچه ما هست، اگر ممکن است من بعد از آموزش مجازی سربازی همان جا خدمت کنم، چون اگر فاصله سرباز و محل خدمتش دور باشد، باید با یک وسیله نقلیه این فاصله را طی کند که موجب آلودگی بیشتر هوا خواهد شد.

٦-راستی چرا توی پادگان ها پیتزا پپرونی نمی دهند؟!

دانستنی روز

پژوهش تازه پژوهشگران درباره بیت کوین

فقط خودشیفته ها رمزارز می خرند؟

پژوهش جدیدی نشان می دهد افراد دارای صفات تاریک شخصیت، گرایش بالاتری به سرمایه گذاری روی رمزارزها دارند. از زمان اختراع بیت کوین در سال ۲۰۰۹، بازار جهانی ارزهای دیجیتال از ارزشی در حد صفر به ارزشی در حدود دو تریلیون دلار رسیده است. قیمت بیت کوین از یک دلار آمریکا در سال ۲۰۱۱ شروع شد و در آوریل ۲۰۲۱ به بالاترین رقم تاریخی خود یعنی ٦۳ هزار دلار رسید و الان قیمت آن در محدوده ۴۲ هزار دلار قرار دارد. نوسانات بزرگ در قیمت رمزارزها رایج است و این مسئله آن ها را به سرمایه گذاری بسیار پرمخاطره تبدیل می کند، اما چه نوع افرادی حاضر به پذیرفتن ریسک خرید آن ها هستند و چه چیزی آن ها را به این کار تشویق می کند؟ پژوهشگران نظرسنجی انجام دادند تا به این موضوع پی ببرند. آن ها می خواستند درباره ارتباط بین صفات تاریک شخصیت (صفات چهارگانه تاریک) و نگرش نسبت به رمزارز بدانند.

پژوهشگران از ٥٦٦ نفر خواستند تا پرسش نامه های شخصیت را به صورت آنلاین تکمیل کنند و نیز به پرسش هایی درباره نگرش آن ها به رمزارز و اینکه آیا قصد سرمایه گذاری روی آن را دارند یا نه؟ پاسخ دهند. از میان این شرکت کنندگان، ۲٦ درصد گزارش کردند که دارای رمزارز هستند و ٦۴ درصد گفتند به سرمایه گذاری روی آن علاقه دارند.

پژوهشگران صفات تاریک شخصیت را با استفاده از آزمون های استاندارد روان شناسی اندازه گیری کردند. آن ها همچنین صفاتی را اندازه گیری کردند که ممکن است ویژگی های تاریک را به قضاوت درباره رمزارزها مرتبط کنند: ترس از دست دادن فرصت (احساس اینکه دیگران چیزهای بهتری را تجربه می کنند)، مثبت اندیشی (گرایش به مثبت بودن یا خوش بینی در زندگی) و باور داشتن به تئوری های توطئه. یکی از دلایل رایج برای سرمایه گذاری در رمزارزها امید به دست آوردن بازده بالا است؛ اما پژوهش جدید نشان می دهد جدا از میل به ایجاد ثروت، صفات تاریک شخصیت نیز باعث خرید رمزارزها می شوند.

اعتماد به نفس بیش از حد و مثبت اندیشی

خودشیفتگی یکی از ویژگی های شخصیتی خودمحور است که ویژگی آن احساس امتیاز و برتری بر دیگران است. افراد خودشیفته اعتماد به نفس بیش از حدی دارند و تمایل بیشتری به انجام کارهایی مانند سرمایه گذاری پرخطر در بازار سهام و قمار دارند. افراد خودشیفته معمولا روی جنبه مثبت زندگی تمرکز می کنند. پژوهشگران می گویند این دسته از افراد به این دلیل رمزارزها را دوست دارند که به آینده به شدت ایمان دارند و بر این باورند که زندگی آن ها بهتر خواهد شد.

سایکوپات‌های تکانشی رمزارزها را دوست دارند

سایکوپاتی یا روان آزاری، ویژگی شخصیتی ضداجتماعی بی رحم و تکانشی است. افراد سایکوپات به دلیل فقدان هوش هیجانی و همدلی از نظر ادراک، درک یا توجه به عواطف مشکل دارند. ماهیت بی پروا و بی اعتنای سایکوپات ها موجب می شود که آن ها در برابر استرس و اضطراب مقاوم تر باشند. در نتیجه این افراد تحریک جویی و ریسک پذیری را دوست دارند. آن ها مستعد قمار و اعتیاد به قمار هستند. پژوهشگران دریافتند که علت تمایل سایکوپات های تکانشی به رمزارزها این است که می ترسند پاداش هایی را که دیگران تجربه می کنند، از دست بدهند.

سادیسم چگونه نقش دارد؟

سادیسم روزمره شخصیتی است که از رنج دیگران لذت می برد. این افراد معمولاً رفتارهای تهاجمی و بی رحمانه ای را نشان می دهند. برای مثال، سادیست ها برای لذت جویی، به دیگران در اینترنت اهانت می کنند.

در نگاه اول، بعید است که خرید رمزارز به دیگران آسیبی بزند. با این حال، پژوهشگران دریافتند که علت علاقه سادیست ها به رمزارز این است که نمی خواهند پاداش سرمایه گذاری را نیز از دست بدهند. درباره آن ها، شاید هم لذت از تماشای درد دیگران و هم ترس از دست دادن فرصت به خودخواهی مربوط باشد.

پژوهشگران دریافتند که برخلاف افراد خودشیفته، هم سایکوپات ها و هم سادیست ها درباره آینده خود مثبت نگری ندارند و این باعث می شود علاقه آن ها به رمزارز خنثی شود.

منبع: دیجیاتو

با کابل اینترنت کف دریا می توان زلزله ها را پیش بینی کرد

در ظاهر شبکه عظیم و متراکم کابل های زیر دریا که فراهم کننده اینترنت جهان هستند، می توانند برای مشاهده فعالیت های لرزشی زمین نیز استفاده شوند. در حقیقت یکی از این کابل ها با شناسایی زمین لرزه ای در نزدیکی خود اثبات کرد که این فناوری می تواند در چنین زمینه ای کاربردی باشد. همان طور که می دانیم دنیای دریاها و اقیانوس ها به شدت وسیع است و از سوی دیگر به شکل نگران کننده ای اغلب مناطق زیرآبی همچنان آن طور که انتظار می رود تحت مشاهده و نظارت قرار ندارند. با این حال طبق مقاله ای که به تازگی منتشر شده است، روشی وجود دارد که به واسطه آن می توان کابل های ارتباطاتی زیردریا را به مجموعه ای از حسگرها تبدیل کرد. تیم پشت این نوآوری، نه تنها کارایی فناوری مذکور در تشخیص زلزله را به اثبات رسانده، بلکه نشان داده است که این فناوری توانایی شناسایی دیگر رویدادهای اقیانوسی نظیر امواج و جریان های زیرآبی را هم داراست.

به عقیده محققان این تیم، می توان هزاران عدد از حسگرهای موردنیاز برای این پروژه را بدون انجام هیچ گونه تغییری در زیرساخت های فعلی ارتباطاتی که هم اکنون زیر اقیانوس ها موجود هستند، به کار برد. منظور این تیم از زیرساخت های موجود، نقاطی از اقیانوس است که کابل های زیردریایی دارای بیشترین تراکم تقویت کننده ها و تکرارکننده ها هستند. این تقویت کننده ها و تکرارکننده ها که وظیفه دارند از فراهم بودن انرژی موردنیاز برای انتقال ایمن داده ها در طول شبکه اطمینان حاصل کنند، در هر ۴۵ تا ۹۰ کیلومتر از مسیر کابل ها کار گذاشته شده اند و آن ها را به «گستره ها» یا بخش های کوچک تری تقسیم کرده اند که این بخش ها می توانند در پروژه مورد بحث استفاده شوند. این پروژه در صورت پیاده سازی می تواند قابلیت های نظارتی در حوزه زمین شناسی را به شدت بالا ببرد و در مراحل بعدی می تواند حتی با پیش بینی زلزله های زیرآبی و سونامی های ناشی از آن ها، تلفات و خسارات این دسته از بلایای طبیعی را به میزان چشمگیری کاهش دهد. البته قابلیت های این پروژه به موارد یادشده محدود نمی شود و دانشمندان امیدوارند با توسعه آن بتوانند به درک بهتری از پدیده هایی مانند جریان های آبی عمیق و تغییرات بلندمدت دمای کف دریا برسند.

منبع: زومیت

آیا می دانستید؟

آیا می دانستید پستانداران به غیر از انسان و میمون، رنگ ها را به درستی تشخیص نمی دهند؟

توییت

میرزایی

اگه پدر یا مادرید یا اگه قراره در آینده پدر یا مادر بشید؛ یادتون نره که وقتی فرزند شما به شما می‌گه در فلان مسئله اشتباه می‌کنی یا در فلان مسئله نظرت درست نیست، به شما بی‌احترامی نکرده؟هر آدمی ممکنه اشتباه فکر کنه. پدر یا مادر هم استثنا نیستند.

واتند

هوای اونایی که با کوچک‌ترین اتفاق زودی خنده‌شون می‌گیره رو خیلی داشته باشین؛ چون اونا تو زندگیشون خیلی سختی کشیدن.

محسن

سال‌ها پیش تو کتاب‌فروشی کار می‌کردم. یه روز همکارمون ساعت ۱۲ ظهر اومد سرکار. مدیر پرسید چرا دیر اومدی؟ گفت حقوقم دیروز سر ماه پرداخت نشده، پول نداشتم. پیاده اومدم، طول کشید. اون موقع بچه بودم و به این کارش خندیدم، ولی بعدا فهمیدم درست می‌گفت. کار سر وقت، حقوق سر وقت. نه یک طرفه.

علی شریفی

بارها سر کلاس خجالت کشیدم از اینکه دستم رو ببرم بالا و چیزی رو که متوجه نشدم بپرسم. با خودم می‌گفتم: «بقیه در موردم چی فکر می‌کنن؟» هربار تصمیم داشتم بعد کلاس از کسی بپرسم یا از کتاب بخونم، ولی تقریبا هیچ‌وقت این‌طور نشد. اول ترم اینو به دانشجوهام می‌گم: «شجاع باشید و بپرسید.»

شعر

هستیم به امید تو چون دوش امشب
برآمدنت بسته دل و هوش امشب
زان گونه که دوش در دلم بودی تو
یارب! که ببینمت در آغوش امشب(اوحدی)

سودوکو

		۹		۵				
۸			۲		۳		۶	۵
		۳	۹		۴	۲		
	۵		۷	۲		۴		
		۱	۸					۳
۲	۷							
	۱				۲		۵	
	۸				۶		۳	
	۳	۵	۱		۷			

پاسخ سودوکو

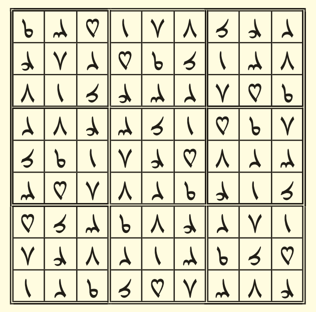

پاسخ جدول شماره گذشته

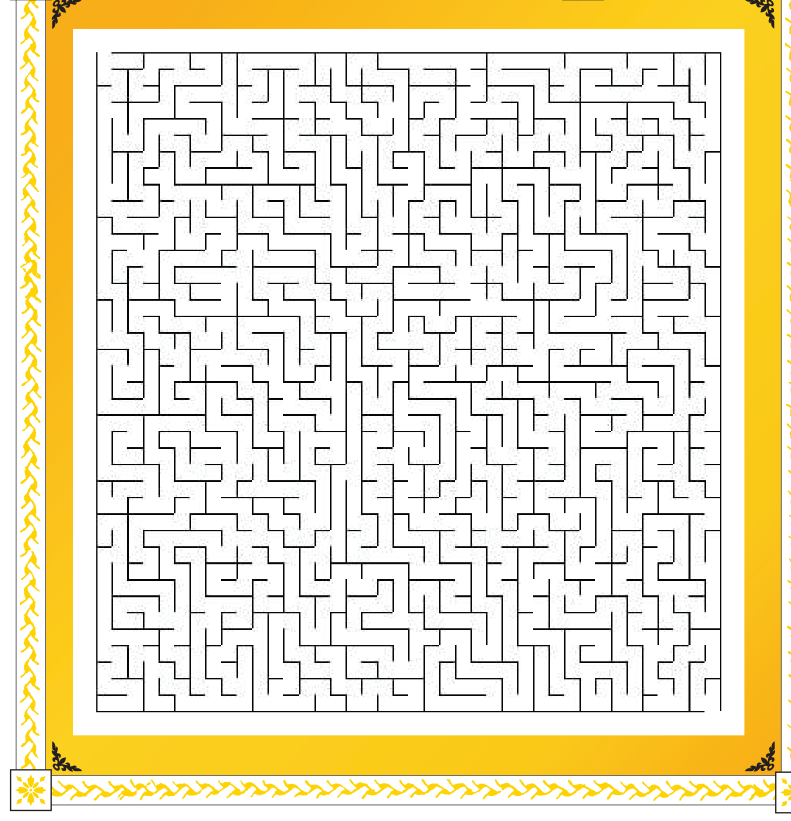هزارتو